



مجموعه جزوات
رهنمودهای امام خامنه‌ای (مدظله)
در باب حوزه و روحانیت

اسلام
منهای روحانیت

شماره سوم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزیده‌ی رهنمودهای
امام خامنه‌ای (مدظله)

در باب
اسلام

منهای روحانیت



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) در سخنرانی‌های متعددی به تبیین نقش روحانیت در جمهوری اسلامی ایران و الزامات و اقتضائات منش طلبگی پرداخته‌اند. "موسسه وارثین" با همکاری جمعی از طلاب حوزه‌ی علمیه آیت‌الله قاضی (ره) دزفول اقدام به تولید سلسله‌ی جزواتی در این موضوع کرده است که در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.
نظرات خود را با ما در میان بگذارید :

Reddawn.blog.ir
Jozveh88.blog.ir
Vareseen.ir

تذکره: لازم به ذکر است که رهنمودهای امام خامنه‌ای از میان سال‌های ابتدایی رهبری ایشان تا سال ۱۳۹۳ بوده و بدیهی است که بعضی از مشکلات مورد اشاره مرتفع گردیده. از طرفی بعضا مطالبی بیان شده که برای خواص و نخبگان حوزه بوده از این روی توجه به مخاطبین دیدارها ضروری است.



خنثی بودن محترم نیست

بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم ۱۳۸۹/۰۷/۲۹

در اینجا یک مغالطه ای هست که باید به آن اشاره کنم. ممکن است بعضی بگویند اگر حوزه‌های علمیه وارد مسائل جهانی، مسائل سیاسی، مسائل چالشی نمیشدند، اینقدر دشمن نمیداشتند و محترم‌تر از امروز بودند. این مغالطه است. هیچ جمعی، هیچ نهادی، هیچ مجموعه‌ی بالارزشی به خاطر انزوا و کناره‌گیری و گوشه‌نشینی و خنثی حرکت کردن، هرگز در افکار عمومی احترام برانگیز نبوده است. بعد از این هم نخواهد بود. احترام به مجامع و نهادهای بی‌تفاوت و تنزه‌طلب که دامن از مسائل چالشی برمپچینند، یک احترام صوری است؛ یک احترام در معنا و در عمق خود بی‌احترامی است؛ مثل احترام به اشیاء است، که احترام حقیقی محسوب نمیشود؛ مثل احترام به تصاویر و تمائیل و صورتهاست؛ احترام محسوب نمیشود. گاهی این احترام، اهانت آمیز هم هست؛ همراه با تحقیر باطنی آن کسی است که تظاهر به احترام میکند. آن موجودی که زنده است، فعال است، منشأ اثر است، احترام برمی‌انگیزد؛ هم در دل دوستان خود، و هم حتی در دل دشمنان خود. دشمنی میکنند، اما او را تعظیم میکنند و برای او احترام قائلند.

اولاً حاشیه‌نشینی شدن حوزه‌ی علمیه‌ی قم و هر حوزه‌ی علمیه‌ی دیگری به حذف شدن می‌انجامد. وارد جریانات اجتماع و سیاست و مسائل چالشی نبودن، بتدریج به حاشیه رفتن و فراموش شدن و منزوی شدن می‌انجامد. لذا روحانیت شیعه با کلیت خود، با قطع نظر از استثناهای فردی و مقطعی، همیشه در متن حوادث حضور داشته است. برای همین است که روحانیت شیعه از یک نفوذ و عمقی در جامعه برخوردار است که هیچ مجموعه‌ی روحانی دیگری در عالم - چه اسلامی و چه غیر اسلامی - از این عمق و از این نفوذ برخوردار نیست.

ثانیاً اگر روحانیت میخواست در حاشیه و در پیاده رو حرکت کند و منزوی شود، دین آسیب میدید. روحانیت سرباز دین است، خادم دین است، از خود منهای دین حیثیتی ندارد. اگر روحانیت از مسائل اساسی - که نمونه‌ی برجسته‌ی آن، انقلاب عظیم اسلامی است - کناره میگرفت و در مقابل آن بی‌تفاوت میماند، بدون تردید دین آسیب میدید؛ و روحانیت هدفش حفظ دین است.

ممکن است بعضی بگویند
اگر حوزه‌های علمیه وارد
مسائل جهانی، مسائل
سیاسی، مسائل چالشی
نمیشدند، اینقدر دشمن
نمیداشتند و محترم‌تر از
امروز بودند. این مغالطه
است.

ثالثاً اگر حضور در صحنه موجب تحریک دشمنی‌هاست، این دشمنی‌ها در یک جمع بندی نهائی مایه‌ی خیر است. آن دشمنی‌هاست که غیرتها و انگیزه‌ها را تحریک میکند و فرصتهائی برای موجود زنده می‌آفریند. هر جا به مجموعه‌ی روحانیت یا به دین یک خصومت‌ورزی و کین‌ورزی‌ای انجام گرفت، در مقابل، حرکتی سازنده از سوی بیداران و آگاهان انجام گرفت. یک وقتی در جمعی گفتم که نوشتن یک کتاب به وسیله‌ی یک نویسنده‌ی

بی طرف ماندن روحانیت
در مسائل چالشی اساسی،
موجب نمیشود که دشمن
روحانیت و دشمن دین هم
بی طرف و ساکت بماند؛ و
من نام لم‌ینم عنہ“.



متعصب ضد شیعه، موجب به وجود آمدن چندین کتاب منبع بزرگ شیعی شد. در همین شهر قم اگر کتاب “اسرار هزار ساله” از سوی یک فرد منحرف که ترکیبی از تفکرات سکولاریستی و گرایشهای وهابیت داشت، منتشر نمیشد، امام بزرگوار ما نمیرفت درس خود را مدتی تعطیل کند و کتاب “کشف الاسرار” را بنویسد؛ که در این کتاب، اهمیت حکومت اسلامی و ولایت فقیه، نخستین جوانه‌هایش مشاهده میشود. بازتولید این تفکر مهم ققهی و شیعی

در کتاب “کشف الاسرار” امام بزرگوار محسوس است. اگر تحرک گرایشهای چپ و مارکسیستی و حزب توده در دهه‌ی ۲۰ و اوائل دهه‌ی ۳۰ نمی‌بود، کتاب ماندگاری مثل “اصول فلسفه و روش رئالیسم” تولید نمیشد و به وجود نمی‌آمد. بنابراین، این دشمنی‌ها به ضرر ما تمام نشده است. هر جا خصومت ورزی انجام گرفت، موجود بیدار و آگاه - یعنی حوزه‌ی علمیه - از خود واکنشی نشان داد و فرصتی آفرید. دشمنی‌ها فرصت آفرینند؛ آن وقتی که ما بیدار باشیم، آن وقتی که ما زنده باشیم، آن وقتی که ما غافل نباشیم.

در همان دوران رضاخانی، آن حرکت خصمانه‌ای که با روحانیت شد، موجب شد مرجع تقلیدی مثل مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی (رضوان الله تعالی علیه) اجازه‌ی صرف وجوهات را در تولید نشریه‌های دینی و مجلات دینی بدهد؛ که این یک چیز بی‌سابقه‌ای بود، در آن روز هم چیز عجیبی بود. بنابراین نشریه‌ی دینی با پول وجوهات و با سهم امام به راه افتاد؛ مجامع دینی با اتکای به سهم امام به وجود آمد. یعنی شخصیتی مثل سید اصفهانی (رضوان الله تعالی علیه) برخلاف آنچه که برخی تصور میکردند و میکنند، به فکر مسائل فرهنگی کشور ما و دنیای شیعه و کشور شیعه است و صرف سهم امام را در یک چنین کاری مجاز میشمرد؛ اینها فرصتهاست. دشمنی‌ها یک چنین فرصتهای بزرگی را به وجود می‌آورند.

رابعاً با بی طرف ماندن روحانیت در مسائل چالشی اساسی، موجب نمیشود که دشمن روحانیت و دشمن دین هم بی طرف و ساکت بماند؛ و “من نام لم‌ینم عنہ“. اگر روحانیت شیعه در مقابل حوادث خصمانه‌ای که برای او پیش می‌آید، احساس مسئولیت نکند، وارد میدان نشود، ظرفیت خود را بروز ندهد، کار بزرگی را که بر عهده‌ی اوست، انجام ندهد، این موجب نمیشود که دشمن، دشمنی خود را متوقف کند؛ بعکس، هر وقت آنها در ما احساس ضعف کردند، جلو آمدند؛ هر وقت احساس انفعال کردند، به فعالیت خودشان افزودند و پیش آمدند. غربی‌ها ظرفیت عظیم فکر شیعه برای مواجهه‌ی با ظلم جهانی و استکبار جهانی را از مدتها پیش فهمیده‌اند؛ از قضایای عراق، از قضایای لتباکو؛ لذا آنها ساکت بشو نیستند؛ آنها به تجاوز خود، به پیشروی خود ادامه میدهند. سکوت و بی طرفی علما و روحانیون و حوزه‌های علمیه به هیچ وجه نمیتواند دشمنی دشمن را متوقف کند. بنابراین حرکت حوزه‌های علمیه، بی طرف نماندن حوزه‌های علمیه در قبال حوادث جهانی، در قبال مسائل چالشی ملی و بین‌المللی یک ضرورتی است که نمیشود از آن غافل شد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دو عنوان و دو مفهوم غلط و انحرافی به وسیله‌ی کسانی که هم با روحانیت بد بودند، هم

با انقلاب دشمن بودند، در ذهنها مطرح شد. البته به این حرفها پاسخ داده شده است؛ هم قولاً، هم عملاً؛ اما "رگ رگ است این آب شیرین و آب شور". باید همیشه متوجه بود، همیشه بیدار بود.

حکومت آخوندی و آخوند حکومتی

این دو مفهوم غلط و در واقع دو تهمت را دشمن به عنوان تاکتیک مطرح کرده است: یکی طرح مسئله‌ی حکومت آخوندی است. میگویند در ایران حکومت آخوندی، حکومت روحانی بر سر کار است. این را نوشتند، گفتند، ترویج کردند، تکرار کردند. دیگری طرح موضوع آخوند حکومتی است؛ تقسیم آخوند به حکومتی و غیر حکومتی. هدفشان از طرح این دو مفهوم انحرافی و غلط این بود که اولاً نظام اسلامی را از پشتوانه‌ی عظیم فکری و نظری و استدلالی و علمی علمای دین محروم کنند؛ ثانیاً روحانیت مسئول راه، روحانیت انقلابی راه، روحانیت حاضر در صحنه را که در مقابل دشمنی‌ها سینه سپر کرده است، به خیال خودشان منزوی کنند، بدنام کنند. یعنی آخوند یک نوعش حکومتی است، که این بد است، منفی است، ضد ارزش است؛ یک نوعش غیر حکومتی است، که این مثبت است، این منزه است.

نسبت روحانیت با نظام اسلامی، نسبت روشنی است. نسبت روحانیت و حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی، نسبت حمایت و نصیحت است. این را توضیح خواهیم داد. حمایت در کنار نصیحت، دفاع در کنار اصلاح. آن دو مفهوم غلط، حقیقتاً انحرافی و خصمانه است؛ به دلیل اینکه اولاً حکومت آخوندی و نسبت دادن جمهوری اسلامی به این مفهوم، حرف دروغی است. جمهوری اسلامی حکومت ارزشی است، حکومت اسلام است، حکومت شرع است، حکومت فقه است، نه حکومت افراد روحانی. روحانی بودن کافی نیست برای اینکه کسی سلطه‌ی حکومتی پیدا کند. جمهوری اسلامی با حکومت‌های روحانی‌ای که در دنیا میشناسیم، در گذشته هم بوده است، امروز هم در نقطه‌هایی از دنیا هست، ماهیتاً متفاوت است. حکومت جمهوری اسلامی، حکومت ارزشهای دینی است. ممکن است یک روحانی ارزشهایی را حائز باشد که از بسیاری از روحانی‌ها برتر باشد؛ او مقدم است؛ اما روحانی بودن هم موجب نمیشود که از کسی سلب صلاحیت شود. نه به تنهایی روحانی بودن صلاحیت‌آور است، نه روحانی بودن موجب سلب صلاحیت است. حکومت دین است، نه حکومت یک صنف

خاص و یک مجموعه‌ی خاص. تقسیم روحانی به حکومتی و غیر حکومتی و ارزش و ضد ارزش قلمداد کردن اینها هم یک غلط فاحش است. رفتن به سمت حکومت و رفتن به سمت هر چیزی غیر از حکومت، اگر برای دنیا شد، بد است؛ اگر برای هوای نفس شد، بد است؛ مخصوص رفتن به سمت حکومت نیست. ما به سمت هر هدفی حرکت کنیم که مقصودمان هوای نفس باشد، مقصودمان منافع شخصی باشد، این ضد ارزش است؛ این همان مصداق دخول در دنیا است که فرمود: "الفقهاء اماناء الرسل ما لم یدخلوا فی الدنیا"؛ این مخصوص رفتن به سمت حکومت نیست.

جمهوری اسلامی حکومت

ارزشی است، حکومت

اسلام است، حکومت

شرع است، حکومت فقه

است، نه حکومت افراد

روحانی. روحانی بودن

کافی نیست برای اینکه

کسی سلطه‌ی حکومتی

پیدا کند.



یک مفهوم این است که نظام به لحاظ نظری و علمی محتاج علمای دین و حوزه‌های علمیه و مستظهر به تلاش علمی آنهاست. نظام متکی به حوزه‌های علمیه است؛ متکی به علما، برجستگان و صاحب‌نظران دینی است. یک مفهوم دیگر هم این است که حوزه و روحانیت نسبت به نظام دینی بی‌تفاوت نیست.



اگر هدف، دنیاست، مردود است؛ حکومت و غیرحکومت ندارد؛ اما اگر رفتن به سمت حکومت با هدف معنوی است، با هدف الهی است، این از برترین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است؛ از برترین مصادیق مجاهدت است؛ این قبول مسئولیت‌های سنگین است، یا دفاع از مسئولان صاحب صلاحیت است. اگر روحانی حکومتی به آن کسی گفته میشود که برای ادای دین خود، برای ادای مسئولیت شرعی خود، برای خاطر خدا از نظام اسلامی حمایت میکند یا از مسئولینی حمایت میکند، این ارزش است، این ضد ارزش نیست؛ نداشتن این حالت، ضد ارزش است. پس هیچکدام از این دو مفهوم - نه مفهوم حکومت روحانی و حکومت آخوندی، و نه مفهوم آخوند حکومتی، روحانی حکومتی - مفاهیم درستی نیست. طرح اینها پس از انقلاب و تشکیل نظام اسلامی، یک طرح مغالطه آمیز است؛ این مفاهیم متعلق به فرهنگ این انقلاب نیست.

دو مفهوم با ارزش

اما متقابلاً دو حقیقت و دو مفهوم دیگر وجود دارد که آنها مفاهیم ارزشی و ارزش‌آفرین است. یک مفهوم این است که نظام به لحاظ نظری و علمی محتاج علمای دین و حوزه‌های علمیه و مستظهر به تلاش علمی آنهاست. نظام متکی به حوزه‌های علمیه است؛ متکی به علما، برجستگان و صاحب‌نظران دینی است. یک مفهوم دیگر هم این است که حوزه و روحانیت نسبت به نظام دینی بی‌تفاوت نیست. هیچ روحانی‌ای، هیچ عالم دینی، هیچ خادم اسلامی نمیتواند نسبت به نظامی که بر اساس اسلام پدید آمده است، با انگیزه‌ی اسلام حرکت کرده است و کار میکند، بی‌تفاوت باشد؛ نمیتواند خود را بیگانه به حساب بیاورد. این هم یک حقیقت دیگر است.

آن حقیقت اول که گفتیم نظام مستظهر به حوزه‌های علمیه است، به خاطر این است که نظریه‌پردازی سیاسی و نظریه‌پردازی در همه‌ی جریانهای اداره‌ی یک ملت و یک کشور در نظام اسلامی به عهده‌ی علمای دین است. آن کسانی میتوانند در باب نظام اقتصادی، در باب مدیریت، در باب مسائل جنگ و صلح، در باب مسائل تربیتی و مسائل فراوان دیگر نظر اسلام را ارائه بدهند که متخصص دینی باشند و دین را بشناسند. اگر جای این نظریه‌پردازی پر نشد، اگر علمای دین این کار را نکردند، نظریه‌های غربی، نظریه‌های غیردینی، نظریه‌های مادی جای آنها را پر خواهد کرد. هیچ نظامی، هیچ مجموعه‌ای در خلاً نمیتواند مدیریت کند؛ یک نظام مدیریتی دیگری، یک نظام اقتصادی دیگری، یک نظام سیاسی دیگری که ساخته و پرداخته‌ی اذهان مادی است، می‌آید جابگزین میشود؛ همچنان که در آن مواردی که

این خلأها محسوس شد و وجود داشت، این اتفاق افتاد.

اسلام منهای روحانیت

بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۸۹/۰۷/۲۷

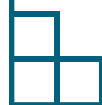
سالهای گذشته در برخی مطبوعات کشور، بعضی افراد مدعی فهم و دانش، علیه دین، علیه مبانی اسلامی افاداتی مینوشتند؛ اینها هم در مردم اثری نکرد. این را توجه داشته باشید؛ دشمنان دو نکته‌ی اساسی را در باب دین دارند دنبال میکنند؛ چون دیده‌اند که این دو نقطه در زندگی مردم چقدر تأثیرگذار است: یکی مسئله‌ی اسلام منهای روحانیت است؛ چون دیده‌اند که روحانیت در جامعه‌ی ایرانی چه تأثیر شگرفی را به وجود آورد و بر حرکت مردم گذاشت. البته از قبل از انقلاب هم این زمزمه‌ها را میکردند. حضور روحانیون در انقلاب و پیشروی آنها در انقلاب، موقتاً این معنا را از صحنه خارج کرد؛ اما باز شروع کردند. یکی هم اسلام منهای سیاست است، جدائی دین از سیاست است. اینها از جمله‌ی چیزهایی است که امروز دارند با اصرار فراوان در مطبوعات، در نوشته‌جات، در وسائل اینترنتی ترویج میکنند. مسئله برای آنها اهمیت دارد. این را توجه داشته باشیم؛ هر آنچه را که دشمن بر روی آن تکیه میکند و نقشه‌ی راه دشمن و طرح کلی دشمن بر روی آنها متمرکز است، او میتواند برای ما هم یک طرح کلی و نقشه‌ی راهی را در اختیار بگذارد. همان چیزی را که آنها آماج حمله قرار میدهند، ما باید توجه داشته باشیم و بدانیم که آنها را بایستی حفظ کنیم، باید بر روی آنها تکیه کنیم: حضور مردمی و معارف دینی و اسلامی.

جدایی

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای کاشان و اران و بیدگل ۱۳۸۰/۰۸/۲۰

دشمن فهمید که راز پیروزی ملت ایران چیست؛ لذا درصدد برآمد تا سیاسیون و سردمداران دولتی را از روحانیت و دین جدا کند. آنها را از آیه‌الله کاشانی جدا کردند و بینشان فاصله انداختند و متأسفانه موفق هم شدند. از سی‌تیر ۱۳۳۱ که مرحوم آیه‌الله کاشانی توانست ملت ایران را آن‌طور به صحنه بیاورد، تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که عوامل امریکا در تهران توانستند مصدق را سرنگون و تمام بساط او را جمع کنند و مردم هیچ حرکتی از خود نشان ندادند، یک سال و یک ماه بیشتر طول نکشید. در این یک سال و یک ماه، با وساطت ایادی ضد استقلال این کشور و با توطئه‌ی دشمنان این ملت، دکتر مصدق مرتب فاصله‌ی خود را با آقای کاشانی زیاد کرد، تا این‌که مرحوم آیه‌الله کاشانی چند روز قبل از

از سی‌تیر ۱۳۳۱ که
مرحوم آیه‌الله کاشانی
توانست ملت ایران را
آن‌طور به صحنه بیاورد، تا
۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که
عوامل امریکا در تهران
توانستند مصدق را
سرنگون و تمام بساط او
را جمع کنند و مردم هیچ
حرکتی از خود نشان
ندادند.



ماجرای ۲۸ مرداد نامه نوشت - همه‌ی این نامه‌ها موجود است - و گفت من می‌ترسم با این وضعی که دارید، علیه شما کودتا کنند و مشکلی به وجود آورند. دکتر مصدق گفت: من مستظهر به پشتیبانی مردم ایران هستم! اشتباه او همین جا بود. ملت ایران را سرانگشت روحانیت - کسی مثل آیةالله کاشانی - وادار می‌کرد که صحنه‌ها را پر کند و به میدان بیاید و جان خود را به خطر بیندازد. در ۲۸ مرداد که کاشانی منزوی و خانه‌نشین بود - و در واقع دولت مصدق او را منزوی و از خود جدا کرده بود - عدم حضور او در صحنه موجب شد که مردم نیز در صحنه حضور نداشته باشند؛ لذا

کودتاچیهای مأمور مستقیم امریکا نتوانستند بیایند و به راحتی بخشی از ارتش را به تصرف درآورند و کودتا کنند. یک مشت اوباش و الواط تهران را هم راه انداختند و مصدق را سرنگون کردند. پس از آن، دیکتاتوری محمدرضاشاهی به وجود آمد که بیست و پنج سال این ملت زیر چکمه‌های دیکتاتوری او لگدمال شد و ملی شدن صنعت نفت هم در واقع هیچ و پوچ گردید؛ چون همان نفت را به کنسرسیومی دادند که امریکاییها طراحی آن را کردند. هرچه دشمن خواست، همان شد؛ به خاطر جدا شدن از روحانیت و دین. اینها عبرت است.

عدم اتکاء مالی به هیچ قدرتی

بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۷۴/۰۸/۱۰

امروز یکی از مسائلی که دشمن بخصوص در محیط دانشگاه دنبال می‌کند، تهاجم علیه نظام روحانیت در کشور ماست. به این نکته توجه داشته باشید. این نکته، حرف امروز نیست. از روزی که نظام پهلوی بر سر کار آمد، دشمنان فهمیدند که اگر بخواهند به یکباره این کشور را تصرف کنند، نباید چیزی به نام دین و ایمان دینی در این کشور باشد و برای این که ایمان دینی به شکل سازمان یافته وجود نداشته باشد، باید بساط روحانیت برچیده شود. تا وقتی که روحانیت هست، در واقع یک سازمان مرکزی وجود دارد که مردم آن را به نام دین می‌شناسند و از طریق آن، سخن دین را می‌شنوند. دین را نمی‌توان از میان زندگی، دلها و مغزهای مردم زدود. سازمانی را که به هیچ‌یک از دستگاههای قدرت از لحاظ مالی متکی نیست، نمی‌شود به راحتی از میان برد. روحانیت برادران اهل سنت ما در کشورهای اسلامی، نان خور دستگاههاست و نمی‌تواند با دستگاهها مخالفت کند. روحانیت مسیحی هم چیزی شبیه به همین است. خصوصیت روحانیت شیعه این بوده که از لحاظ مالی و ارتزاق زندگی، به دستگاههای حاکم متکی نبوده است. لذا زبانشان باز بوده است.

تفسیر های غربی از دین

بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۷۴/۰۸/۱۰

وقتی دین، مفسر و متصدی و متولی رسمی نداشته باشد، کار به این جا می‌رسد که عده‌ای از راه می‌رسند و دین را با تفکر مارکسیستی و یا دمکراسی و سرمایه‌داری غربی تطبیق می‌دهند. امروز در دنیا کسانی هستند که اسلام - و نه مطلق دین - را درست با آنچه که شرکتها و کمپانیهای بزرگ می‌خواهند، تطبیق می‌دهند. اگر روحانیت وجود داشت، این طور نمی‌شد. البته همواره روحانیت احتیاج به اصلاحات داشته است. امام بزرگوار ما در اوایل انقلاب درباره‌ی روحانیت و لزوم وجود آن و حمله به کسانی که می‌خواستند ریشه‌ی روحانیت را بزنند، صحبت کردند. در اثنای صحبت، مطلبی با این مضمون افزودند: در میان روحانیت کسانی هستند که ظلم است اسم روحانی بر آنها بگذاریم. بعد این مصراع را خواندند: "ای بسا خرقة که مستوجب آتش باشد". واقعا همین طور است. روحانی داریم؛ اما اساس روحانیت امری لازم است. برای حفظ دین، ایمان دینی در جامعه لازم است. دشمن این مطلب را زودتر از همه فهمید. روحانیت یک نهاد اصلی در نظام اسلامی است. اگر روحانیت و طلبه‌های معمم نبودند، این انقلاب شکل نمی‌گرفت. شانزده سال - از سال ۱۳۴۱ تا سال ۱۳۵۷ - طلبه‌ها به سرتاسر کشور سفر می‌کردند و در هر شهر و روستا و منطقه‌ای - حتی در پادگانهای ارتشی - اسلام و مبارزه علیه رژیم را تبلیغ می‌کردند. دستگاه حکومتی هم نمی‌توانست مانع آنها شود.

از هر راه ممکن

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۷۱/۱۱/۲۵

اما حادثه‌ی دومی که قاعدتا وقتی با آن عظمت مواجه می‌شویم باید انتظارش را داشته باشیم، دشمنی دشمنان است. سعی می‌کنند شاید با تطمیع بتوانند شما را از سر راه خود دور کنند. اگر نتوانستند، با تهدید؛ اگر نشد، با عمل؛ اگر نشد، با تبلیغات؛ اگر نشد، با ترور جسم؛ اگر نشد، با ترور روح و عنوان.

بالاخره می‌خواهند زهرشان را بریزند. بین شما و آنها یک مبارزه جریان دارد و شوخی بردار هم نیست. بدانید که امروز دشمنان اسلام، با روحانیت و ذخیره‌ی علمی ارزشمند آن - از قرن‌ها پیش تا امروز - و نیز با حاملان این امانت الهی به شدت مخالفند. اینها هر قدر بتوانند اقدام خواهند کرد و بدانید که بیش از دشمنی با شما، با اسلام مخالفند. اگر بتوانند شما را از اسلام جدا کنند؛ اگر نتوانند شما را از وظیفه‌ی اسلامی و دنبال کردن آن جدا کنند، خیالشان راحت خواهد بود و آن وقت شما هم دیگر برایشان خطر محسوب نخواهید شد. اینها با اسلام مخالفند.

امروز در دنیا کسانی هستند که اسلام - و نه مطلق دین - را درست با آنچه که شرکتها و کمپانیهای بزرگ می‌خواهند، تطبیق می‌دهند. اگر روحانیت وجود داشت، این طور نمی‌شد.



متکی به مردم

بیانات در دیدار مهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم بزرگداشت دهه

فجر ۱۳۷۱/۱۱/۱۸

روحانیون چون در بین مردم محبوبیت و نفوذ و شخصیت داشتند، توانستند در دوران اختناق، پیام مبارزه را تا اعماق جامعه پیش ببرند و همه را از نظرات امام مطلع کنند. روحانیت مبارز این کار را کرد. مردم، روحانیت را دوست می‌داشته‌اند و به آنها اعتماد دارند. این اعتماد و ابراز محبت به روحانیون در کشور ما، یک سنت مربوط به طول قرن‌هاست. روحانیت اسلام در داخل کشور ما، متکی به مردم

است و هیچ وقت وابسته به قدرت‌ها نبوده است. امروز هم روحانیون به هیچ قدرتی وابسته نیستند و صد درصد مردمی‌اند. مردم ما همیشه قداستی برای روحانیت قائل بوده‌اند و بحمدالله، امروز هم قائلند. مردم، روحانیت را مجموعه‌ای پاک و سالم و قابل اعتماد می‌دانند. می‌بینیم دشمن، از تجربه‌های خود در این زمینه، استفاده می‌کند. دشمن می‌فهمد که باید روحانیت را در چشم مردم، از حیثیت و اعتبار انداخت. همه‌ی تلاششان این است! تبلیغات می‌کنند، دروغ می‌گویند، اگر مسأله کوچکی را در جایی پیدا کنند، چندین برابر بزرگ می‌کنند و برای این که روحانیت را از چشم مردم بیندازند، خوبیها و گذشته‌ها و فداکاریها را نمی‌گویند. علم و دانش روحانیت را انکار می‌کنند و تقوای آنها را منکر می‌شوند؛ همچنان که پنجاه سال، در دوران رژیم پهلوی هم از این کارها می‌شد. روحانیت، که مجموعه‌ای علمی و تقوایی است، به وسیله بلندگوهای رژیم پهلوی، فاقد علم و تقوا معرفی شده بود. امروز هم همان تبلیغ کذا انجام می‌گیرد. اینها مجموعه کارهایی است که دشمن انجام می‌دهد.

مفت خور

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۷۰/۰۹/۲۰

آن زهد و بی‌اعتنایی به دنیا، آن پارسایی‌هایی که در محیط روحانیت و در محیط طلبگی و بیرون از طلبگی بود و امروز هم بحمدالله هنوز به طور غالبی وجود دارد، این را در چشم این جماعت دانشگاهی و متجدد، تبدیل کرده بودند به این که آخوند مفت خور است! تعبیر مفت خور، چیز روشنی بود. وقتی در جایی می‌گفتند مفت خورها، بدون هیچ اشاره و قیدی - مثل ضمیری که مرجع خودش را پیدا کند - به روحانیون برمی‌گشت! این تبلیغاتی بود که انجام شده بود.

هدف از این تبلیغات چه بود؟ هدف از تبلیغات، روحانیت نبود - روحانیت که خصوصیتی نداشت - هدف از این تبلیغات، دین بود. اگر ما بیابیم حیثیت روحانیت و فقاقت و رتبه‌ی علمی فقاقت و تأثیر آن را در حرکت کلی یک کشور منکر بشویم، یا زیر سؤال ببریم، یا دچار خدشه بکنیم، درحقیقت به گرایش دینی طبقه‌ی کارآمد و عظیمی لطمه زده‌ایم؛ و این

همان کاری است که آنها می خواهند، و آبی است به آسیاب دشمن ریختن؛ لذا باید در محیط دانشگاه، به این نکته خیلی توجه شود.

جایگاه روحانیت در روند انقلاب

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان کرمان ۱۳۷۰/۰۸/۲۰

آنچه برای ما روحانیون مهم است، این است که جایگاه خودمان را در روند انقلاب پیدا کنیم. به نظر من، هنر روحانیت در طول تاریخ این بوده که جای خودش را پیدا کرده است؛ بخصوص آقایان جوان و برادران پر نشاط باید برای آینده‌ها به این نکته توجه کنند. این بینش، افق دید روحانیت را مشخص می‌کند. هزار سال است که روحانیت شیعه به صورت یک صنف و یک قشر باقی است. از این هزار سال، حدود چهارصد سالش دوران عدم تقیه است - که کشور، کشور شیعه؛ و روحانیت هم روحانیت شیعه بود - اما ششصد سال از این هزار سال، دورانی است که روحانیت در تقیه، در خفا، در فرار و در حبس زندگی کرده است. این تاریخ هزار ساله، دو دوران کاملا متمایز از هم را گذرانده است.

دفاع از نظام

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان کرمان ۱۳۷۰/۰۸/۲۰

امروز موضع روحانیت چه باید باشد و کجا قرار بگیرد؟ حقیقت این است که امروز در جهات مختلف، روحانیت باید در موضع حراست و دفاع از نظام قرار بگیرد؛ این را هرگز نباید فراموش کرد. امروز هیچ عاملی نباید بتواند روحانیت شیعه را از دفاع از نظام جمهوری اسلامی منفک کند. هر شرایطی که پیش بیاید، این‌گونه است.

دعوت از مردم

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان لرستان ۱۳۷۰/۰۵/۳۰

اگر خدای نکرده ما در تکلیف اول سستی کنیم و کوتاهی بخرج بدهیم، ایمان مردم به معنویت روحانیت سست خواهد شد؛ چون ما با توپ و تفنگ و این چیزها که پیش نبردیم؛ ما با اعتقادی که مردم به روحانیت داشتند، پیش بردیم.

برای اهل علم و آقایان روحانیون، این دوران، دوران بسیار حساسی است؛ روحانیت از مردم دعوتی کرد، مراجع اسلام و در رأس همه امام بزرگوار ما (طاب‌تراه) از مردم برای عمل به اسلام و محقق کردن آن در متن جامعه، دعوت کردند. این دعوت، منجر به این انقلاب عظیم و تشکیل نظام جمهوری اسلامی شد. حالا خود دعوت کننده که امر بالبر است، قهرا دو تکلیف عمده بر دوش دارد: یکی تکلیف شخصی در عمل اوست فیما بینه و بین الله، یکی همگامی با انقلاب و خدمت در جهت پیشبرد انقلاب است. هر دو هم مهم است؛ اما اگر خدای نکرده ما در تکلیف اول سستی کنیم و کوتاهی

بخرج بدهیم، ایمان مردم به معنویت روحانیت سست خواهد شد؛ چون ما با توپ و تفنگ و این چیزها که پیش نبردیم؛ ما با اعتقادی که مردم به روحانیت داشتند، پیش بردیم.

اولین وظیفه

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان لرستان ۱۳۷۰/۰۵/۳۰

اگر امروز خدای ناخواسته در همان رفتار شخصی خودمان چیزی مشاهده بشود که با آنچه مردم درباره‌ی ما گمان می‌برند، منافات داشته باشد، به ایمان مردم ضربه خواهد خورد و در نتیجه پایه خواهد لرزید. این، آن وظیفه‌ی اول است. لذا ما واقعا موظفیم که بیش از همیشه، جهات الهی و شرعی و آن چیزهایی را که دستگاه روحانیت با آنها شناخته شده است؛ مثل آزادمنشی، بی‌اعتنایی به زخارف دنیا، بی‌اعتنایی به مال و منال و اقتدار مادی، ارتباط و اتصال به خدا، ورع و پرهیز از محارم، و توجه به علم - که مردم روحانیت را به علم شناخته‌اند - رعایت کنیم. اینها آن وظایف نوع اول است، که وظایف شخصی ماست؛ بایستی به اینها بپردازیم و به آن اهمیت بدهیم.

اسلام عزیز و اولیای شهیدان و امام بزرگوار و صالحان ملت، به شما نظر و امید و از شما انتظار دارند. بکوشید و برای رسیدن به کمالات و اهداف انقلاب اسلامی عظیم، فرصتها را مغتنم شمارید و معرفت و فهم دینی را در ذهن و دل خود، وسعت و عمق بخشید. با تهذیب نفس و تقویت روح مسؤولیت، صحنه‌های انقلاب را خصوصا آنچه به پاسداری از ارزشها و فرهنگ و روحیه‌ی انقلابی است، پر کنید.

بار اصلی انقلاب به دوش شماست

پیام به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۶۹/۰۸/۱۳

به فرزندان و برادران عزیز و انقلابییم، جوانان، دانش‌آموزان و دانشجویان که این روز بزرگ به نام آنان است، عرض می‌کنم که شأن و وضع شما، چه در حال و چه بیشتر در آینده، به گونه‌یی است که بار اصلی انقلاب بر دوش شماست و اسلام عزیز و اولیای شهیدان و امام بزرگوار و صالحان ملت، به شما نظر و امید و از شما انتظار دارند بکوشید و برای رسیدن به کمالات و اهداف انقلاب اسلامی عظیم، فرصتها را مغتنم شمارید و معرفت و فهم دینی را در ذهن و دل خود، وسعت و عمق بخشید. با تهذیب نفس و تقویت روح مسؤولیت، صحنه‌های انقلاب را خصوصا آنچه به پاسداری از ارزشها و فرهنگ و روحیه‌ی انقلابی است، پر کنید و پیوند خود را با جامعه و اقشار مختلف و بخصوص روحانیت معظم تقویت کنید و از حيله‌های شیطانی و دسایس و ترفندهای ابلیسی که گاه حتی در لحن و قالب دلسوزی است، برحذر باشید. در مسیر مبارزه‌ی افتخارآمیز ملت ایران، جوانان همیشه باید پیشاهنگ و پیشرو باشند. خود را آماده‌ی پیشاهنگی در خط صحیح و بی‌انحراف نگهدارید و هوشمندانه خط صحیح و مستقیم را از کجراهه‌های انحرافی باز شناسید و صبغه‌ی الهی

را ترویج و شعایر اسلامی را تعظیم کنید.

تلاش دایم برای درست حرکت کردن

بیانات در جمع فضلا و طلاب و روحانیون مشهد ۱۳۶۹/۰۱/۰۴

در همه‌ی شوون روحانیت و وظایفی که علمای دین و روحانیون و ملیسان به این لباس دارند، این اصلاح نفس لازم است و ما باید این مسؤولیت را حس کنیم. قدم اول این است که ما احساس بکنیم مسؤولیت اصلاح نفس را داریم؛ اصلاح از لحاظ اخلاقی و روحی و تدارک کردن اخلاص و قصد قربت و اجتناب از گناه؛ همان که امیرالمؤمنین (علیه‌الصلوة‌والسلام) فرمود: "و لکن اعینونی بورع و اجتهاد و عفة و سداد"؛ یعنی تلاش دایم برای درست حرکت کردن و منحرف نشدن و عفت و سداد. این احساس را باید بکنیم و به اصلاح فکر و اصلاح بینش و اصلاح سلیقه‌ی معوج - اگر خدای نکرده در ما هست - و اصلاح مذاق و مشرب دینی و فقهی و کلامی و سیاسی و غیره توجه کنیم.

اینها مسؤولیت است

بیانات در جمع فضلا و طلاب و روحانیون مشهد ۱۳۶۹/۰۱/۰۴

وقتی که ما می‌گوییم روحانیت این عظمت و قدرت و امکان را پیدا کرده، معنایش این نیست که حالا تک‌تک روحانیون، دارای این اختیارند. نه، این اختیار در میان جامعه‌ی روحانیت است. این، مسأله‌ی بسیار مهمی است. امروز مثلا از شما سؤال می‌کنند که آیا حیل ربای به آن شکل جایز است، یا جایز نیست؟ شما با یک نیش قلم - که البته متکی به استنباط

و فتوا و بررسی جوانب فقهی مسأله است - می‌توانید بخش عظیمی از چیزهایی که به عنوان حیل ربا به کار می‌رود، تعطیل کنید، یا راه بیندازید. از شما می‌پرسند که حکم زمینهای بایر یا دایر یا مثلا انواع و اقسام زمینهایی که امروز در کشور ما هست؛ آنهایی که در اختیار طاغوتیها بوده و امروز در اختیار افرادی به عنوان کشت موقت قرار گرفته؛ آنهایی که در اختیار هیأت هفت نفره است، چیست؟ اینها چه کار باید بشود؟ به افرادتملیک بشود؟ با چه شرایطی؟ این کار، کار روحانیت است؛ یعنی بینش فقهی اسلام است که امروز این مسائل را تعیین می‌کند. اینها مسؤولیت است. به همین جهت است که عرض کردیم، هیچ‌وقت در طول تاریخ روحانیت، این قشر به قدر امروز، دوست و دشمن نداشته است.

این کار، کار روحانیت است؛ یعنی بینش فقهی اسلام است که امروز این مسائل را تعیین می‌کند. اینها مسؤولیت است. به همین جهت است که عرض کردیم، هیچ‌وقت در طول تاریخ روحانیت، این قشر به قدر امروز، دوست و دشمن نداشته است.

با هر آخوندی بد نیستند

بیانات در جمع فضلا و طلاب و روحانیون مشهد ۱۳۶۹/۰۱/۰۴

هر کسی که به خط انقلاب و اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و اله و سلم) نزدیکتر است، به ضربات و حملات و تهمت ها و هوجبگری ها و سوءقصد ها و بدجنسی ها و موذیگری های جناح استکبار هم نزدیکتر است. با هر آخوندی بد نیستند؛ با بعضی از آخوندها خیلی هم خوبند؛ همچنان که در دستگاه سلطنت هم همین طور بود. آن دستگاهی که می خواست ریشه‌ی روحانیت را بکند، خاطر بعضی از آخوندها را هم می خواست! به آخوندهای درباری پول می داد و به آنها سفارش می کرد که عمامه‌تان را یک مقدار بزرگتر و ریشتان را هم یک مقدار بلندتر کنید! اینها را دیده بودیم، ما از اینها خبر داریم. رژیم طاغوت، خاطر این گونه روحانیون را هم می خواست و با آنها ملاقات هم می کرد.

هر کسی که به خط انقلاب و اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و اله و سلم) نزدیکتر است، به ضربات و حملات و موذیگری های جناح استکبار هم نزدیکتر است. با هر آخوندی بد نیستند؛ با بعضی از آخوندها خیلی هم خوبند؛ همچنان که در دستگاه سلطنت هم همین طور بود. به آخوندهای درباری پول می داد و به آنها سفارش می کرد که عمامه‌تان را یک مقدار بزرگتر و ریشتان را هم یک مقدار بلندتر کنید!

نظام اسلامی اسلام را عزت بخشید

بیانات در جمع فضلا و طلاب و روحانیون مشهد ۱۳۶۹/۰۱/۰۴

ما این را بدانیم که امروز مسؤولیت روحانیت، بسیار سنگین است. اولین مسؤولیت شما، عبارت از پاسداری از اسلام و نظام اسلامی است. آن کسانی که با نظام اسلامی با این عظمت، که اسلام را عزت بخشید، مسلمین را سر بلند کرد، اسلام را در دنیا مطرح نمود، ملت‌های مسلمان تحقیر شده و فراموش شده را به یاد اسلام انداخت - که می بینید چه طور ملت‌ها یکی پس از دیگری، به سمت اسلام گرایش پیدا می کنند - بلکه در سطح جهان، آزادی ملت‌ها را به دنبال آورد، مخالفت کنند، مورد عفو و اغماض قرار نخواهند گرفت. ما برخورد می کنیم؛ هر کس که می خواهد باشد، در هر حدی که می خواهد باشد. این برای ما، از آن مناطقی که جای اغماض باشد، نیست.

ضایعه‌ی بدون جبران

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۶۸/۰۵/۱۱

اگر امروز که دین و روحانیت، قدرت پیدا کرده است، عملی انجام بدهیم که - خدای نکرده - اندک اختلال و خدشه‌یی

در آن سرمایه و ذخیره‌ی قرن‌ها به وجود بیاید، ضایعه‌ی خواهد بود که دیگر جبران آن، با یک نسل و دو نسل ممکن نخواهد بود. سرمایه‌ی یک نسل مصرف نشد تا اگر - خدای نکرده - از بین رفت، یک نسل دیگر بیایند و این سرمایه را دوباره تجدید کنند. ایمان مردم به روحانیت، ناشی از سابقه‌ی طولانی روحانیت شیعه و نفوذ و تأثیر آنها در ذهن و ایمان مردم است. ما باید این ایمان را حفظ کنیم.

امروز، اگر روحانیت از زی خود خارج بشود و قدرت‌طلبی و قدرت‌نمایی و سوء استفاده بکند و اگر عملی از او سر بزند که حاکی از ضعف تقوا و ورعی باشد که مردم در او سراغ کردند و به او اعتماد دارند، هر کدام از اینها لطمه‌اش غیرقابل جبران است. از این جهت هم، امروز وضع ما روحانیون استثنایی است؛ یعنی با دوره‌ی قبل از انقلاب فرق می‌کند. البته، در دوره‌ی قبل از انقلاب هم، اگر از یک روحانی کاری سر می‌زد، ضایعه بود و به همه‌ی روحانیت سرایت می‌کرد؛ اما امروز چون نظام، نظام اسلامی است و روحانیون مظهر اسلام هستند، ضایعه فقط متوجه جمعی از روحانیون - یا حتی جمع روحانیت - نمی‌شود؛ بلکه ضایعه متوجه اسلام می‌شود و به این زودی هم قابل جبران نخواهد بود.

در این زمینه، امام بزرگوارمان خیلی توصیه‌های آموزنده کردند. باید حفظ زی روحانیت و همان رابطه‌های قدیمی و معمولی با مردم و همان اعمال و حرکاتی که انتزاع تقوا و ورع و ایمان و پایبندی شدید به دین از آن می‌شد و اجتناب از هر چیزی که این اصل را مخدوش بکند، مورد تأکید و توجه قرار بگیرد. البته این طاب، به جمع حاضر نیست؛ متعلق به همه‌ی ما روحانیون در سراسر کشور و هر جا که هستیم، می‌باشد.

از دید همین جزوات:

امروز، اگر روحانیت از زی خود خارج بشود و قدرت‌طلبی و قدرت‌نمایی و سوء استفاده بکند و اگر عملی از او سر بزند که حاکی از ضعف تقوا و ورعی باشد که مردم در او سراغ کردند و به او اعتماد دارند، هر کدام از اینها لطمه‌اش غیرقابل جبران است.

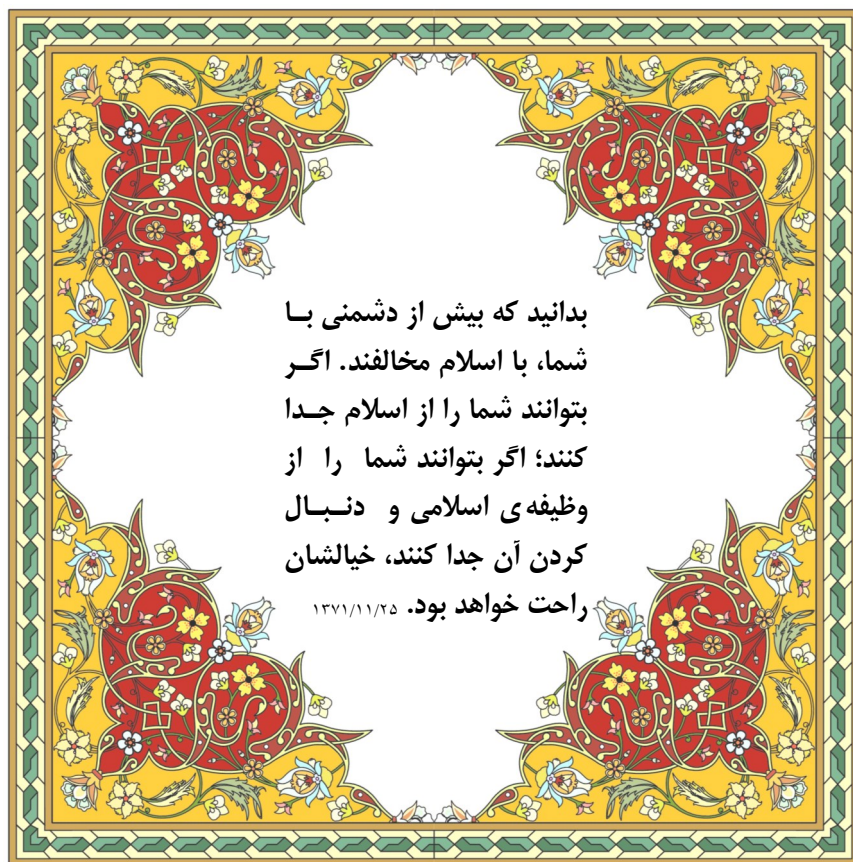
۱. آبروی روحانیت

۲. منش طلبگی

۳. اسلام منه‌های روحانیت

۴. تحول در حوزه

۵. استعداد‌های ناشناخته‌ی حوزه



بدانید که بیش از دشمنی با
شما، با اسلام مخالفند. اگر
توانند شما را از اسلام جدا
کنند؛ اگر بتوانند شما را از
وظیفه‌ی اسلامی و دنبال
کردن آن جدا کنند، خیالشان
راحت خواهد بود. ۱۳۷۱/۱۱/۲۵

وارثین؛ مرکز توزیع محصولات جبهه‌ی فرهنگی انقلاب اسلامی؛
دزفول، خیابان امام خمینی شمالی، کوچه‌ی شهدا، روبروی مسجد
لب خندق، تلفن: ۰۶۴۱۲۲۵۴۵۵۶ و ۰۹۱۶۸۲۳۰۹۷۴

Vareseen.ir